نگاهی به مولفه‌های اقتصاد مقاومتی از منظر کلان اقتصادی: تجربه روسیه



امین مالکی
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مقدمه

در سه سال اخیر، ترکیب هم‌زمان فشارهای خارجی و الزامات جنگی نشان داده است که دوام یک اقتصاد در عصر تحریم و تهدید، بیش از هر چیز تابع ظرفیت تاب‌آوری و توان سازگاری ساختاری آن است. تجربه یک قدرت بزرگ که تحت شدیدترین تحریم‌های غرب و الزامات مالی-صنعتی جنگ قرار گرفته، نشان می‌دهد فشارهای اقتصادی حتی هنگامی که واردات کالاهای حیاتی را گران‌تر، دسترسی به درآمدهای صادراتی را محدودتر و وابستگی تجاری به بازیگران آسیایی را عمیق‌تر می‌کنند لزوم فروپاشی اقتصاد را رقم نمی‌زنند؛ مشروط بر آنکه بنیان‌های تاب‌آوری، پیش‌بینی‌پذیری و بسیج صنعتی از پیش تقویت شده باشد. آنچه آن را وجوهی از اقتصاد مقاومتی تلقی می‌کنیم (در این زمینه به مقاله «اقتصاد مقاومتی از گفتمان تا کاربست تجربه شرکت‌های موفق بین‌المللی» در همین شماره از مجله ارجاع داده می‌شود). این تجربه تأکید دارد که تحریم و جنگ، اگرچه هزینه‌های واردات، تخفیف‌های صادراتی و نوسانات تورمی را تشدید می‌کنند، اما در صورتی که سازوکارهای اقتصادی آمادگی پیشادورانی، از متنوع‌سازی ذخایر ارزی گرفته تا کاهش ریسک‌های وابستگی ارزی و تقویت زیرساخت‌های مالی داخلی، داشته باشند، اثر تکانه‌ها مهارپذیرتر می‌شود.

اهمیت این پیش‌نگری زمانی آشکارتر شد که ابعاد درگیری از برآوردهای اولیه فراتر رفت و تداوم جنگ نیازمند یک بسیج صنعتی فراگیر در مقیاس کل صنعت ساخت شد؛ چراکه در مواجهه طولانی‌مدت با یک رقیب دارای پشتیبانی گسترده، باید احتمال فرسایش مستمر تجهیزات و نیاز به بازتولید سریع قدرت دفاعی را جدی گرفت. از سوی دیگر، رفتار بازیگران بزرگ آسیایی نیز نشان داد که در عصر رقابت ژئوپلیتیک، تحریم‌ها فقط یک ابزار فشار نیستند بلکه به منبع یادگیری راهبردی نیز تبدیل می‌شوند. همکاری اقتصادی دوطرفه روسیه و چین و در عین حال بررسی منظم سازوکارهای دور زدن تحریم‌ها و تطبیق اقتصادی و پیامدهای مثبت جانبی مانند تقویت تولید داخلی، بخشی از یک راهبرد کلان برای کاهش آسیب‌پذیری در آینده و آمادگی برای مواجهه با سناریوهای مشابه است. تجربه کلان روسیه واجد درس‌های آموزنده‌ای در کاربست نظریه اقتصادی مقاومتی از ابعاد کلان اقتصادی آن است. تاب‌آوری اقتصادی مشاهده‌شده در کلان اقتصادی روسیه به واسطه اتکا به صادرات انرژی، شبکه‌سازی خارجی و پیش‌بینی‌پذیرسازی شوک‌های مالی نقشی تعیین‌کننده در این دوام داشته است. هم‌زمان سطح بالای محرمانگی گزارش‌ها و فرایندهای ارزیابی، اهمیت فهم دقیق سازوکارهای تاب‌آوری و درس‌گیری نظام‌مند از این

تجربه را برجسته‌تر می‌کند. با توجه به آنکه اقتصاد ایران نیز امروز با ترکیبی از تهدیدهای شناخت‌شده روبه‌رو است، ضرورت دارد برنامه‌ریزی اقتصادی بر پایه منطق تاب‌آوری یعنی پیش‌نگری، مقاوم‌سازی مالی، شبکه‌سازی تجاری هوشمند، و توانایی بسیج صنعتی در مقیاسی متناسب با نیازهای دفاعی و تولیدی کشور انجام شود. مقاله حاضر با همین رویکرد و با نگاهی مستقل به تجربه مذکور، شش درس کلیدی برای ایران استخراج کرده است.

برخی وجوه تشابه

ایران امروز با دو تهدید تحریم و جنگ روبرو شده و این واقعیتی است که از سال ۲۰۲۲ روسیه هم آن را تجربه می‌کند. تحریم‌ها هزینه‌های واردات اقلام حیاتی دو کشور را افزایش داده، درآمدهای صادراتی آن‌ها را کاهش داده و اقتصاد آن‌ها را به‌طور رو به رشدی وابسته به تجارت با چین کرده است. هر دو کشور امروز برای فروش نفت با هزینه‌ها و تخفیف‌های متعددی روبرو شده‌اند و برای کنترل شرایط تورمی در داخل با چالش روبرو هستند. کرملین هم مانند تهران تا پیش از شروع جنگ، سطح درگیری‌ها و طول مدت آن را محدود ارزیابی می‌کرد. در حالی که امروز متوجه شده که هدایت جریان منابع مالی به برنامه‌های ارتقاء توان دفاعی برای روسیه امری حیاتی است و ادامه توان دفاعی کشور منوط به بسیج صنعتی در مقیاس کل صنعت ساخت است؛ چراکه در درگیری با یک قدرت نظامی با پشتیبانی کامل غرب و ناتو، همواره باید این احتمال را داد که حجم قابل‌توجهی از تجهیزات نظامی کلیدی به تدریج از دست بروند. حال ایران در شرایط حاضر که منطقی است برای احتمال ادامه‌دار شدن دو تهدید تحریم و جنگ برنامه‌ریزی شود، آیا می‌توان از تجربه روسیه طی سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ بهره گرفت؟

برای پاسخ به این سوال کافی است اشاره شود که از آغاز جنگ اوکراین، چین با خرید نفت روسیه و تامین اقلامی از میکروالکترونیک تا ماشین‌های لباسشویی، به حمایت از اقتصاد این کشور پرداخته است. در مقابل، پکن از این همکاری سودی راهبردی به دست آورده و آن فرصتی واقعی برای مطالعه چگونگی خنثی‌سازی تحریم‌های غربی توسط روسیه است. طبق گزارش «وال استریت ژورنال» در حال حاضر گروهی بین‌سازمانی تاثیرات تحریم‌ها بر اقتصاد روسیه را بررسی کرده و به‌طور منظم گزارش‌هایی برای رهبران چین تهیه می‌کند که هدف آن، استخراج درس‌هایی برای کاهش اثرات تحریم‌ها، به‌ویژه در صورت بروز درگیری بر سر تایوان و اعمال تحریم‌های مشابه از سوی آمریکا و متحدان است. در راستای این تلاش، مقامات چینی به‌صورت دوره‌ای به مسکو سفر می‌کنند تا با بانک مرکزی، وزارت دارایی و دیگر نهادهای دخیل در مقابله با تحریم‌ها دیدار کنند.

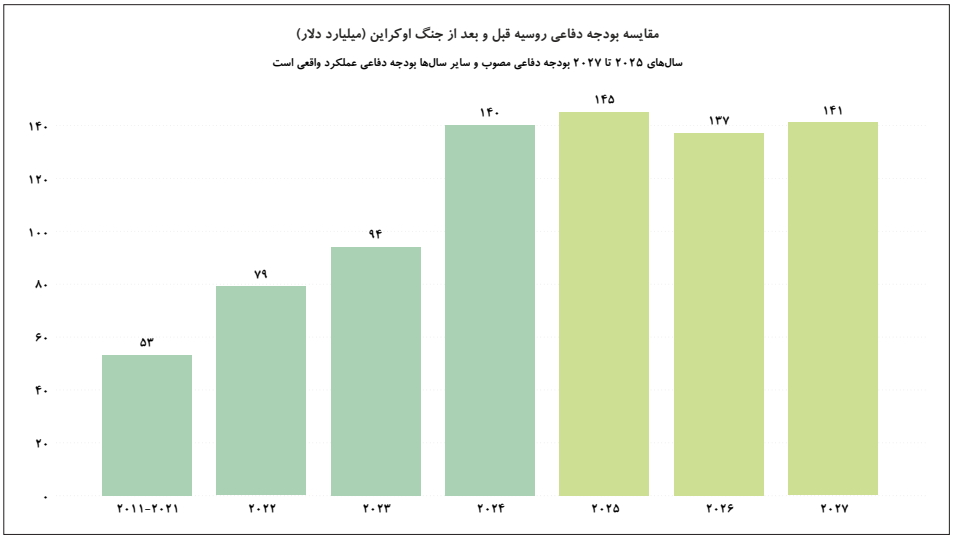
اقتصاد روسیه در طول جنگ و تحریم به طرز شگفت‌آوری تاب‌آور بوده است، گرچه در سال ۲۰۲۵ نشانه‌هایی از آسیب‌پذیری در برابر فشارهای غرب نشان داده است. بخش عمده‌ای از تاب‌آوری اقتصادی روسیه مدیون صادرات نفت و همکاری نزدیک با چین است. گروه بین‌سازمانی چین درباره تحریم‌های روسیه به «هه لیفنگ»، معاون نخست‌وزیر و مسئول امور اقتصادی و مالی، گزارش می‌دهد. «هه»، که ارتباط مستقیمی با «شی» دارد، معمار اصلی راهبرد حفاظت از اقتصاد چین در برابر تحریم‌های غرب است. در خصوص تجربه روسیه، پکن به همه‌چیز علاقه‌مند است: از روش‌های دور زدن تحریم‌ها تا اثرات مثبت آن، مانند انگیزه‌هایی برای توسعه تولید داخلی. یکی از درس‌های کلیدی چین از تجربه روسیه، اهمیت آمادگی پیش از بحران است. روسیه پیش از جنگ، ذخایر خارجی خود را متنوع کرد، اقتصادش را از وابستگی به دلار کاهش داد و زیرساخت‌های مالی داخلی را تقویت نمود. اگرچه این اقدامات موفقیت محدودی داشت، اما به محافظت از اقتصاد روسیه و ایجاد زمان برای سازگاری کمک کرد. گزارش‌هایی که در خصوص تجربه روسیه برای «هه لیفنگ» می‌رود از سطح محرمانگی بالایی برخوردار است و هیچ نسخه‌ای از آن‌ها در دست نیست.

با این مقدمه در ادامه با نگاهی مستقل به شرایط اقتصاد روسیه و تجربه این کشور طی جنگ و تحریم، شش درس مهم برای حوزه صنعت و تجارت کشور مورد اشاره قرار گرفته است.

درس اول: حرکت جبری به سمت کینزگرایی دفاعی

از جمله عوامل کلیدی که به توانایی روسیه برای سازگاری موفق با تحریم‌های اعمال‌شده توسط غرب همزمان با جنگ اوکراین کمک کرده، مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصاد کلان تحت هدایت دولت است که در ادبیات اقتصادی ذیل عنوان «کینزگرایی دفاعی» یا تحریک اقتصاد از طریق افزایش هزینه‌های دفاعی قرار می‌گیرد. این نه یک راه حل مطلوب در شرایط عادی اقتصادی، بلکه یک راه‌حل جبری برای مدیریت شرایط ناگزیر است که نمونه‌هایی از آن نیز پیش‌تر در آمریکا، رژیم اشغالگر صهیونیستی و شوروی سابق نیز دیده شده بود. محورهای سیاست «کینزگرایی دفاعی» در روسیه از زمان جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ به این شرح است:

- تلاش برای توسعه مجتمع‌های صنعتی-نظامی
- تلاش برای تامین اقلام ضروری دفاعی از خارج
- اعتباردهی ترجیحی به بخش صنعت ساخت با اولویت صنایع مرتبط مستقیم و غیرمستقیم با حوزه دفاعی
- اعطای دستمزدهای سخاوتمندانه به ویژه به کادر نظامی و تحریک تقاضای داخلی



منابع: گزارش‌های دومای روسیه، بودجه مصوب سال ۲۰۲۵ و بودجه پیشنهادی سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ (duma.gov.ru/en)، وزارت دارایی روسیه (www.rbc.ru) و خبرگزاری تاس روسیه (https://tass.ru)

نمودار ۱. کینزگرایی دفاعی در روسیه

این اقدامات از یک طرف درآمد بیشتری را به دست مردم رسانده و منجر به افزایش تقاضای کل اقتصاد برای محصولات و خدمات داخلی چه نظامی و چه غیرنظامی شد و از طرف دیگر همسویی بخش‌های قابل‌توجهی از جمعیت روسیه با اهداف نظامی دولت را بیشتر کرد. البته این نکته مهم را باید در نظر داشت که در تداوم سیاست کینزگرایی دفاعی یا تکیه رشد اقتصادی بر هزینه صنایع نظامی و غیرنظامی متصل به آن اگر «ظرفیت‌های موجود» (به ویژه در بازار کار و بازار ارز) به درستی سنجیده نشوند و سیاست‌های مکمل (به ویژه در بازار اعتبارات بانکی) به دقت انتخاب نشوند، نتیجه تشدید فشار تورمی و ایجاد تنش در بازار کار، حرکت تدریجی به سمت رکود تورمی و آسیب به کل اقتصاد در شرایط جنگی است.

نکته مهم دیگر این است که کینزگرایی دفاعی صرفا یک راهبرد فرصت‌طلبانه سازگار کردن اقتصاد با شرایط جنگی نیست، بلکه بهتر است اگر چشم‌اندازها بر ضرورت ارتقاء توان دفاعی کشور صحه می‌گذارند، مدت‌ها قبل از شروع وضعیت جنگی اتخاذ شود. همان گونه که روسیه در سال ۲۰۰۸ در نتیجه مواجهه با پیامدهای نظامی جنگ گرجستان و پیامدهای اقتصادی بحران مالی جهانی این درس را آموخت که اصلاح و مدرن‌سازی صنعت دفاعی یکی از منابع اصلی جایگزین برای رشد اقتصادی این کشور است.

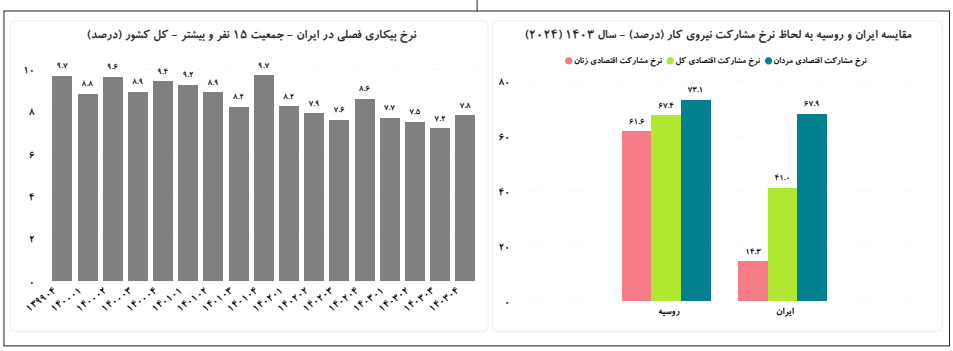
درس دوم: تشدید هزینه‌کردهای نظامی و کمبود نیروی کار صنعتی

روسیه از اواسط سال ۲۰۲۳ تا اواسط سال ۲۰۲۴، حداقل ۳ تریلیون روبل (حدود ۳۲ میلیارد دلار معادل ۱.۸ درصد از تولید ناخالص داخلی) پرداختی به پرسنل نظامی داشته است. با توجه به اینکه میانگین دستمزد ماهانه در روسیه ۸۶,۵۰۰

روبل (۹۳۲ دلار) است، با این راهبرد استخدام که ریشه در مشوق‌های مالی سنگین دارد، مسکو توانسته نیروهای خود را به اندازه کافی و بدون بازگشت به راهبرد «بسیج نظامی» (که در پاییز ۲۰۲۲ امتحان شد و نه تنها بسیار نامحبوب از کار درآمد بلکه در بازار کار ایجاد اختلال ننمود) تکمیل کند.

سیاست‌گذاران اقتصادی روسیه «کمبود نیروی کار» را به‌عنوان مشکل اصلی اقتصاد این کشور حین دوران جنگ شناسایی کرده‌اند. یکی از عوامل کلیدی این مساله، چالش جمعیتی بلندمدتی است که روسیه، مانند دیگر کشورهای پساشوروی، دهه‌هاست با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. تا سال ۲۰۲۱، کسری نیروی کار در روسیه حدود ۲.۲ میلیون نفر تخمین زده شده بود. در حالی که سایر کشورهای اروپایی نیز با چالش‌های جمعیتی خاص خود روبرو هستند، آن‌ها از مهاجرت رو به داخل بهره‌مند شده‌اند و مهاجرت رو به بیرون سریع مانند آنچه روسیه در سال ۲۰۲۲ تجربه کرد را نداشته‌اند. آغاز جنگ اوکراین، چالش جمعیتی بلندمدت روسیه را به‌طور قابل‌توجهی تشدید کرد و منجر به کمبود مزمن نیروی کار در بازار داخلی شد. عامل مهم در کمبود نیروی کار روسیه، مهاجرت جوانان روس بوده است. اگرچه تخمین‌ها متفاوت است، گفته می‌شود حدود ۶۰۰ هزار تا ۱ میلیون روس در سال ۲۰۲۲ کشور را ترک کرده‌اند و اگرچه برخی از آن‌ها بازگشته‌اند، حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر هنوز در خارج از کشور اقامت کرده‌اند. تخمین زده می‌شود که ۸۰ تا ۹۰ درصد کسانی که مهاجرت کرده‌اند زیر ۴۵ سال سن داشته‌اند. منابع دیگر نشان می‌دهند که تنها در سال ۲۰۲۲، تعداد کارگران ۱۶ تا ۳۵ ساله ۱.۳۳ میلیون نفر کاهش یافته و سهم آن‌ها از نیروی کار به پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۹۶ رسیده است.

اشتغال مرتبط با جنگ نیز کمبود نیروی کار را تشدید کرده است. گسترش اشتغال در مجتمع صنعتی نظامی، لجستیک مرتبط با جنگ، ساخت‌وساز و خدمات پشتیبانی، تاثیر چشمگیری بر نیروی کار موجود برای اقتصاد غیرنظامی داشته است. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۲۲، حدود ۱۰ درصد از جمعیت روسیه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با صنعت دفاعی مرتبط بودند و این رقم از آن زمان تاکنون افزایش یافته است. جنبه مهم دیگر اشتغال مرتبط با جنگ، البته، تعداد قابل‌توجهی از روس‌های در سن کار است که در جنگ اوکراین خدمت می‌کنند. روسیه نیز مانند ایران با ورود به دوره جنگ و بیم از اخلال نیروهای مهاجر شروع به سرکوب دولتی مهاجران غیرقانونی پس از حمله مرگبار به سالن شهر «کروکوس» در ماه مارس ۲۰۲۴ کرد که منجر به خروج کارگران مهاجر شد و این امر به وخامت بیشتر نیروی کار کمک کرد. در سال ۲۰۲۲، حدود ۲۶,۶۰۰ مهاجر اخراج شدند؛ در سال ۲۰۲۳، این تعداد به ۴۴,۲۰۰ نفر افزایش یافت و در سال ۲۰۲۴، این رقم تقریبا دو برابر شد و به ۸۰,۰۰۰ نفر رسید. همه این عوامل در کنار هم باعث کاهش نرخ بیکاری از میانگین ۵ تا ۶ درصد در دهه گذشته به ۲.۳ تا ۲.۴ درصد تا مارس ۲۰۲۵ شده است. در سال ۲۰۲۴، بانک مرکزی روسیه اعلام کرد که ۷۳ درصد از کسب‌وکارهای روسیه با کمبود نیروی انسانی مواجه هستند.



منابع: مرکز آمار ایران، گزارش سالانه نتایج آمارگیری نیروی کار، سال ۱۴۰۳ (آمار مربوط به میانگین کل کشور است) / گزارش فصلی نتایج آمارگیری نیروی کار برای نرخ بیکاری (amar.org.ir) / مرکز آمار فدراسیون روسیه (rosstat.gov.ru)

نمودار ۲. نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی در بازار کار ایران

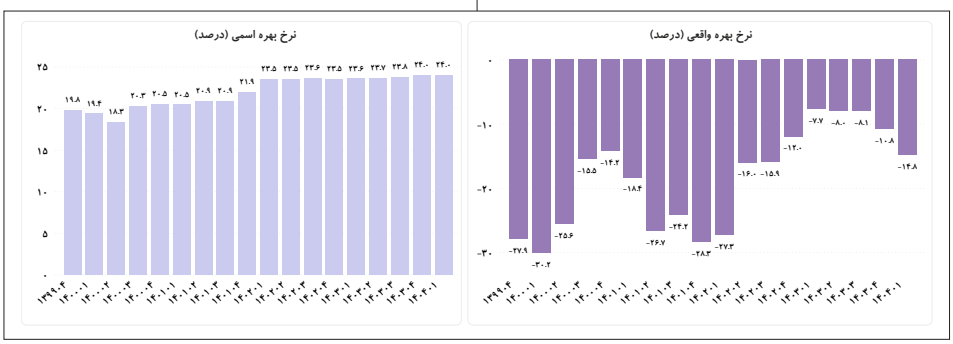
تقاضا برای نیروی کار به‌ویژه در صنعت دفاعی، که اکنون بیش از ۳.۸ میلیون نفر را استخدام کرده و ظاهرا ظرفیت افزایش حقوق‌ها به میزان ۲۰ تا ۶۰ درصد را برای جذب نیروی کار بیشتر دارد، بالا است. شرکت‌های دفاعی روسیه در موقعیت بهتری برای رقابت بر سر نیروی کار نسبت به شرکت‌های صنعتی قرار دارند، که فاقد حمایت دولتی ارائه‌شده به همتایان خود هستند. در نتیجه، در حالی که کالاها برای مصارف جنگی تولید می‌شوند و نه بازار واقعی مصرف، درآمدها در بخش صنعتی دفاعی در مدت زمان نسبتا کوتاهی به شدت افزایش پیدا کرده است. در برخی مناطق، حقوق‌ها در کارخانه‌های دفاعی به‌طور متوسط حدود ۴۰،۰۰۰ روبل (۵۰۰ دلار) بالاتر از بخش‌های غیرنظامی است، که این امر بخش‌های غیرنظامی را مجبور به افزایش حقوق برای حفظ رقابت‌پذیری کرده است. همه این‌ها منجر به افزایش قابل‌توجه دستمزدهای واقعی کارگران روس، به‌ویژه در پایین‌ترین سطح نردبان اقتصادی شده است. این عوامل در کنار هم کارفرمایان را تحت فشار قرار داده تا درآمد را افزایش دهند و این خود منجر به افزایش قیمت‌هایی شده که به تداوم تورم عمومی روسیه ختم می‌شود.

گرچه معضل مهاجرت نیروی کار یقه‌آبی طی روزهای اخیر از ایران به زودی تقاضا برای این قشر را بیشتر و به بازار کار فشار وارد می‌کند، اما نرخ بیکاری ایران تقریبا سه برابر روسیه است (۲.۴ درصد) و میزان مشارکت در بازار کار در ایران ۴۱ درصد و در بازار کار روسیه ۶۷.۴ درصد است. مشارکت زنان در بازار کار در روسیه تقریبا ۴ برابر ایران است. با توجه به این شواهد، می‌توان قطعی دانست که بخش صنعت در ایران در سال‌های آتی با فشار کمبود نیروی کار در هر دو زمینه نیروی کار ماهر (جذب شده به صنایع نظامی در نتیجه افزایش تقاضا و هزینه‌کردها) و نیروی کار غیرماهر (خارج شده از ایران با سیاست‌های اخراج مهاجرهای غیرقانونی) مواجه می‌شود. این معضل برای بخش صنعت ایران طی سال‌های پیش رو تکرار خواهد شد با این تفاوت که بازار کار ایران ظرفیت‌های بیشتری برای عرضه نیروی کار به لحاظ ارتقاء نرخ مشارکت به ویژه در حوزه مشارکت نیروی کار زنان دارد. برخلاف روسیه که سمت عرضه نیروی کار به حد اشباع نرسیده و نیاز به اعمال سیاست‌هایی مانند لغو برخی مشاغل یا سیاست‌های بهینه‌سازی تخصیص نیروی کار بین صنایع پیدا کرده، ایران این ظرفیت را دارد که با سیاست‌های آموزشی و دستمزدی مناسب و افزایش نرخ مشارکت به ویژه در حوزه زنان این مشکل را برطرف کند.

درس سوم: تثبیت نرخ ارز با سیاست‌های محدودیت اعتبار و افزایش نرخ بهره

افزایش نرخ بهره می‌تواند باعث تثبیت نرخ ارز و جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی و افزایش هزینه واردات شود و به بخش صنعت کمک می‌کند و از طرف دیگر می‌تواند باعث افزایش هزینه تامین مالی می‌شود و به بخش صنعت آسیب بزند. اینکه سیاست‌های اعتبار ترجیحی به نفع جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی کنار گذاشته شوند، تصمیم سختی بود که روسیه گرفت و از منافع آن به واسطه کاهش هزینه‌های وارداتی و هدفمندسازی منابع اعتباری به سمت صنایع راهبردی برخوردار شد. مثلا در توضیح اینکه چرا به رغم شروع جنگ و تورم ۱۲ درصدی سال ۲۰۲۲، در سال ۲۰۲۳ تورم روسیه به ۷.۴ درصد کاهش پیدا کرد، چهار مورد ذکر می‌شود که عبارتند از ۱- ثبات نسبی ارزش روبل، ۲- افزایش درآمدهای نفتی، ۳- کنترل قیمت‌های داخلی و ۴- رسوب تکانه‌های اولیه تحریم‌ها. در توضیح این چهار دلیل باید گفت که در سال ۲۰۲۳، بانک مرکزی روسیه با افزایش نرخ بهره (از ۷.۵ درصد به ۱۶ درصد تا پایان سال) و سیاست‌های کنترلی، ارزش روبل را در برابر ارزهای خارجی مانند دلار و یورو تثبیت کرد. این امر هزینه‌های وارداتی را کاهش داد و فشار تورمی ناشی از افزایش قیمت کالاهای وارداتی را مهار کرد. همچنین در مورد دوم، با وجود تحریم‌ها، روسیه توانست با فروش با تخفیف نفت به کشورهایی مانند چین و هند، درآمدهای ارزی خود را افزایش دهد. این امر به تقویت ذخایر ارزی و کاهش فشار بر بودجه دولتی کمک کرد، که به‌طور غیرمستقیم تورم را کاهش داد. علاوه بر این دو، سیاست موثر سوم کنترل قیمت‌های داخلی بود که دولت روسیه از طریق اعطای یارانه و کنترل قیمت برخی کالاهای اساسی مانند مواد غذایی و سوخت، توانست فشارهای تورمی را در بخش‌های کلیدی مهار کند. نهایتا آخرین عامل رسوب تکانه‌های اولیه تحریم‌ها بود. پس از تکانه اولیه تحریم‌های غربی در ۲۰۲۲، اقتصاد روسیه در ۲۰۲۳ با ایجاد زنجیره‌های تامین جایگزین، به‌ویژه از طریق چین و ترکیه و افزایش تولید داخلی برخی کالاها، سازگاری بیشتری پیدا کرد که این امر هزینه‌های وارداتی را کاهش داد و تورم را پایین آورد. اما در توضیح اینکه چرا از سال ۲۰۲۳ تاکنون دائما روند نرخ تورم در روسیه صعودی شده است شش دلیل ذکر می‌شود که عبارتند از ۱- افزایش هزینه‌های نظامی و کسری بودجه، ۲- کمبود نیروی کار، ۳- افزایش قیمت‌های وارداتی و کاهش ارزش روبل، ۴- فشارهای تورمی ناشی از تحریم‌ها، ۵- افزایش تقاضای داخلی و ۶- سیاست‌های

پولی ناکافی هستند. هزینه‌های نظامی روسیه از ۳.۶ تریلیون روبل در ۲۰۲۱ به ۱۳ تریلیون روبل در ۲۰۲۴ افزایش یافت، که حدود ۴۰ درصد از کل مخارج دولتی در ۲۰۲۵ را تشکیل می‌دهد. این افزایش، همراه با پرداخت‌های سخاوتمندانه به سربازان و خانواده‌هایشان، کسری بودجه را تشدید کرد و فشار تورمی ایجاد نموده است. علاوه بر این، به دلیل کمبود شدید نیروی کار در جنگ اوکراین، تلفات بالا و مهاجرت نیروی کار متخصص، دستمزدها افزایش پیدا کرده‌اند. این امر هزینه‌های تولید را بالا برده و تورم را افزایش داده است. سوم آنکه، در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، ارزش روبل به دلیل تحریم‌های جدید و کاهش تقاضای جهانی برای نفت روسیه تضعیف شده است و این امر هزینه‌های کالاهای وارداتی مانند قطعات صنعتی و الکترونیکی از چین را افزایش داده است. چهارمین عامل، تحریم‌ها است. تحریم‌های گسترده‌تر، به‌ویژه در بخش انرژی و بانکی، دسترسی روسیه به «ارزهای سخت» (دلار و یورو) را محدود کرده که این امر نه تنها وابستگی بیشتری به یوان چین را به همراه داشته، هزینه‌های نقل و انتقالات ارزی و در نتیجه تورم وارداتی را تشدید کرده است. پنجمین عامل، بالا رفتن تقاضای داخلی است. هزینه‌های دولتی بالا در بخش دفاعی و برنامه‌های اجتماعی (مانند یارانه‌ها و پرداخت به خانواده‌های سربازان) تقاضای داخلی را افزایش داده که در مواجهه با محدودیت‌های طرف عرضه (به دلیل کمبود نیروی کار و مشکلات زنجیره تامین) فشار تورمی را تشدید کرده است. نهایتا ششمین عامل اینکه بانک مرکزی نرخ بهره را در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ به ۲۰ افزایش داده، اما این سیاست برای مهار تورم کافی نبوده است؛ چراکه فشارهای ساختاری (مانند کمبود نیروی کار و کسری بودجه) قوی‌تر از آن بودند. لازم بود نرخ بهره از این بالاتر برود، اگرچه این افزایش نرخ بهره نیز آثار خود را خواهد داشت.



منابع: برای نرخ بهره اسمی از نرخ بازار بین‌بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا استفاده شده است که هزینه استقراض کوتاه‌مدت بین بانک‌ها در بازار بین‌بانکی را منعکس می‌کند. این نرخ معادل نرخ‌هایی مانند نرخ وجوه فدرال در آمریکا یا نرخ لیبور در بازارهای جهانی است که به‌عنوان نرخ مرجع برای وام‌های بین‌بانکی استفاده می‌شوند. از آنجا که این نرخ نشان‌دهنده هزینه استقراض در بازار پولی است، به نرخ بهره اسمی نزدیک‌تر است. برای نرخ تورم از متوسط فصلی نرخ‌های تورم اعلام شده در گزارش‌های مرکز آمار ایران استفاده شده است.

نمودار ۳. نرخ بهره اسمی و نرخ بهره واقعی در بازار اعتبار بانکی ایران

در ایران، اعطای اعتبارات بانکی با نرخ بهره منفی که در بهار ۱۴۰۲ تا حدود منفی ۳۰ درصد هم رسیده است، منجر به تکثیر بنگاه‌های زنده‌نما (زامبی) با اتکاء بالا به حمایت‌های اعتباری و سایر حمایت‌ها شده است، در عین حال که فشار سرمایه‌گذاری ناشی از این اعتبارات، تقاضا برای واردات و ارزهای سخت (دلار و یورو) را بیشتر و قیمت ارز را افزایش داده است که همین ریزش ارزش پولی ملی، در چرخه بعد با افزایش هزینه واردات از سطح حمایت‌ها در مقیاس کل اقتصاد کاسته است. افزایش نرخ تورم در چند فصل منتهی به بهار ۱۴۰۴ و افزایش ناچیز نرخ بهره اسمی در همین دوره، زمینه‌ساز تشدید نرخ بهره منفی شده است.

نمی‌توان انکار کرد که افزایش نرخ بهره بانکی از طریق کاهش تقاضا، فشار بر نرخ ارز را کاهش می‌دهد و به کنترل بیشتر تورم می‌انجامد و سرعت کاهش ارزش پول ملی را در شرایط تورم‌های بالای متداوم کم می‌کند، ضمن اینکه در شرایط نرخ بهره منفی شهروندان ترجیح می‌دهند تا پول خود را در بازارهای سفته‌بازانه سرمایه‌گذاری کنند. اما در خصوص اقتصاد ایران این سیاست ملاحظات خاص خود را دارد. در شرایطی که تورم ریشه در افزایش قیمت‌های ناشی از تکانه‌های

طرف عرضه (افزایش هزینه تولید یا افزایش نرخ ارز باشد) داشته باشد، افزایش نرخ بهره اسمی اثرگذاری پایینی بر کاهش تورم دارد و بلکه با کاهش سرمایه‌گذاری می‌تواند رکود را تشدید نیز بکند. همچنین نظام بانکی ایران برخلاف نظام بانکی روسیه در ساختار مالی تجهیز به مراتب ضعیف‌تری دارد و امروز با چالش مطالبات معوق و نقدینگی محدود مواجه است. در چنین شرایطی افزایش نرخ بهره می‌تواند بر حجم بدهی‌های نظام بانکی بیافزاید تا جایی که به ورشکستی آن منجر شود. علاوه بر این، بانک‌ها برای جبران پرداخت نرخ‌های بالاتر بهره ممکن است دست به خلق پول جدید بزنند که خودش تورم‌زا است. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در بازارهای غیرمتشکل پولی، به ویژه در شرایط تحریم، بخشی از نقدینگی به سمت بازارهای غیررسمی مانند صرافی‌های غیرمجاز می‌رود که نرخ بهره در آن تابع مقررات بانکی نیست و افزایش نرخ بهره در بازارهای غیرمتشکل اثرات انتظاری کمتری دارد.

در کل، موفقیت این سیاست به شرایط ساختاری مانند سلامت نظام بانکی، توان دولت در کنترل نرخ ارز و بهبود محیط کسب‌وکار وابسته است، اما حداقل تجربه کشورهایی مانند روسیه، ترکیه و برزیل طی چند سال اخیر نشان می‌دهد که سیاست‌های ریاضتی پولی یک گزینه سخت اما ممکن است.

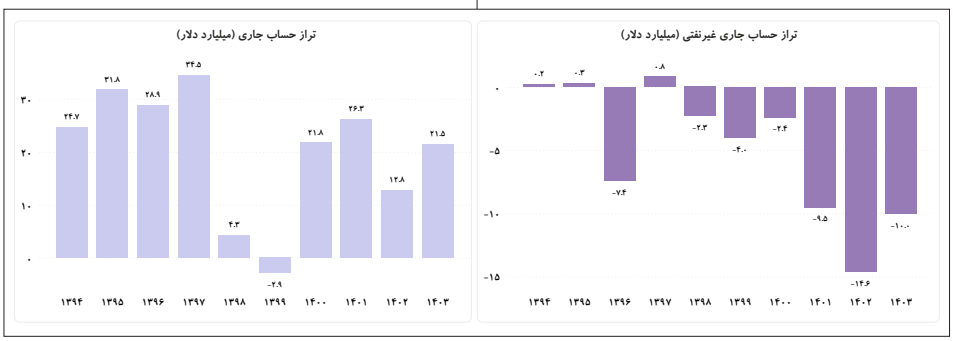
درس چهارم: تقویت حساب جاری با متنوع‌سازی صادرات غیرنفتی در مقابله با کاهش قیمت نفت

وابستگی ایران و روسیه به درآمدهای نفتی و دسترسی محدود آن‌ها به ارزهای سخت (دلار و یورو)، دائما انعطاف‌پذیری اقتصادی این دو کشور را تضعیف می‌کند. به دلیل انجماد ذخایر ارزی بانک مرکزی، روبل نیز به مانند ریال امروز عملا به یک ارز غیرقابل تبدیل در معامله‌های تجاری تغییر ماهیت داده که ارزش آن به شدت به حساب جاری روسیه وابسته است و کاهش درآمدهای نفت و فرآورده‌های نفتی اکنون می‌تواند به کاهش‌های چشمگیر در ارزش روبل منجر شود. کاهش همزمان صادرات نفت و تضعیف ارزش پول ملی حتی می‌تواند این دو کشور را در شرایط خاص ناگزیر از کاهش واردات کند که به سطح تراز کالایی در داخل به ویژه در اقلام راهبردی آسیب وارد می‌کند.

طبق برآوردهای جدید، کاهش قیمت نفت به ۳۰ دلار در هر بشکه، بودجه روسیه را از مبلغی معادل کل مخارج نظامی کنونی محروم خواهد کرد و تراز تجارت خارجی را در زمینه ادامه جنگ و تحریم‌ها منفی خواهد کرد. این امر برای کوتاه کردن بازه زمانی که دولت روسیه می‌تواند جنگی در این مقیاس را تامین مالی کند، حیاتی خواهد بود و آن را از دوره‌ای تقریبا نامحدود به تنها چند سال کاهش خواهد داد. در عرض دو تا سه سال، چنین کاهش قیمت نفت ممکن است اقتصاد روسیه را به مشکلاتی که در آغاز جنگ سال ۲۰۲۲ پیش‌بینی شده بود (مانند کاهش ارزش روبل و ناتوانی در دستیابی به واردات حیاتی) سوق دهد. در واقع، گزارش‌های اخیر نشان می‌دهند که بانک مرکزی روسیه به شدت نگران سناریویی است که در آن آمریکا و سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بازار را با نفت پر کنند، مشابه دهه ۱۹۸۰، که به‌طور بالقوه باعث فروپاشی طولانی‌مدت قیمت‌ها می‌شود.

از آنجا که درآمدهای نفت و گاز، سوخت قابل‌توجهی برای ماشین جنگی روسیه فراهم کرده‌اند، اگر قیمت‌های انرژی به کاهش ادامه دهند، همان‌طور که پیش‌بینی‌های انرژی جهانی برای سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ انتظار دارند، روسیه باید راه‌های دیگری برای تامین منابع به‌منظور حفظ هزینه‌های دفاعی بالا و بازسازی نظامی خود پیدا کند. این می‌تواند تا حدی با کاهش بیشتر در سایر بخش‌های اقتصادی، از جمله مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و سیاست اجتماعی، به دست آید. احتمال دیگر افزایش مداوم مالیات‌های شرکت‌ها و اشخاص است. مسکو همچنین می‌تواند از صندوق ملی رفاه خود برای روزهای سخت استفاده کند، که در حال حاضر حدود ۱۲ تریلیون روبل (۱۱۷ میلیارد دلار) یا ۵.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی ارزش دارد. با این حال، دارایی‌های نقدی و سرمایه‌گذاری‌های این صندوق که به راحتی قابل نقد شدن هستند، در اوایل سال ۲۰۲۵ در مقایسه با ابتدای سال گذشته ۲۴ درصد کاهش یافته است (به ۳.۳۹ تریلیون روبل، یا ۳۹ میلیارد دلار) و اکنون کمتر از نیمی از ارزش خود قبل از جنگ اوکراین، زمانی که ۸.۸ تریلیون روبل (۱۰۲ میلیارد دلار) بود، را تشکیل می‌دهند. بانک مرکزی حتی خطرات موجود برای تخلیه کامل این صندوق را در صورت فروپاشی قیمت‌های نفت در سال ۲۰۲۵ گزارش کرده است. در نهایت، دولت همچنین می‌تواند بیشتر وام بگیرد. در سال ۲۰۲۵، صندوق بین‌المللی پول تخمین می‌زند که بدهی ناخالص دولت عمومی روسیه به ۲۱.۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور برسد، که طبق استانداردهای بین‌المللی پایین است. به جای وام گرفتن از خارج، سیستم بانکی داخلی، که عمدتا توسط بانک‌های دولتی هدایت می‌شود، می‌تواند اوراق قرضه دولتی اضافی خریداری کند.

علاوه بر نفت و فرآورده‌های نفتی، درآمدهای قابل‌توجه بودجه روسیه از صادرات زغال‌سنگ، سنگ آهن، فلزات غیرآهنی (مثل آلومینیوم و نیکل)، سنگ‌های قیمتی، مواد معدنی و کودها و همچنین محصولات کشاورزی، چوب، ماشین‌آلات و تجهیزات به دست می‌آید. در دوره پس از شروع جنگ در سال ۲۰۲۲، درآمدهای این محصولات به‌طور جزئی کاهش ناشی از تحریم‌ها در درآمدهای نفتی را جبران کرد. با این حال، بسیاری از این صادرات نیز تحت تاثیر تحریم‌های غربی و کاهش تقاضا قرار گرفتند. به‌عنوان مثال، تحریم‌های اتخاذشده توسط اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۲۴ تعدادی از کشتی‌های روسیه، از جمله آن‌هایی که غلات حمل می‌کردند را هدف قرار داد و تحریم‌های آمریکا و انگلیس نیز صادرات فلزات غیرآهنی روسیه را محدود کردند. در نتیجه، از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴، سهم محصولات شیمیایی و ماشین‌آلات و تجهیزات در صادرات روسیه از ۱۵ به ۱۱ درصد کاهش یافت؛ درآمدهای صادرات زغال‌سنگ بین سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۴ به میزان ۲۰ درصد کاهش یافت و تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۲۵ بیشتر کاهش یابد؛ درآمدهای حاصل از غلات و کود در سال ۲۰۲۴ به ترتیب ۱۱ و ۱۷ درصد در مقایسه با سال ۲۰۲۳ کاهش یافت و قیمت‌های سنگ آهن و نیکل بین سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ به ترتیب ۲۱ و ۷ درصد پایین آمد. این معاملات گرچه طی سال‌های اخیر از رونق افتاده‌اند اما منبع حیاتی ارز سخت برای اقتصاد روسیه بوده‌اند و به این کشور اجازه داده‌اند تا سطح بالای واردات فناوری‌های کلیدی مورد نیاز برای تلاش جنگی خود را حفظ کند.



منابع: گمرک جمهوری اسلامی ایران (www.irica.gov.ir) و مرکز آمار فدراسیون روسیه (rosstat.gov.ru)

نمودار ۴. تراز حساب جاری ایران و روسیه

بر این اساس، صادرات غیرنفتی روسیه ۶ برابر ایران و واردات این کشور ۴ برابر ایران است و به یمن این مزیت و البته صادرات نفت بیشتر توانسته است تراز حساب جاری خود را ظرف سال‌های اخیر مثبت نگاه دارد. تراز حساب جاری غیرنفتی مثبت مهم‌ترین رکن عبور موافق از شرایط تحریم و جنگ است و اتخاذ سیاست‌های مکمل لازم در مدیریت و مهندسی واردات و تنوع‌بخشی به صادرات غیرنفتی و سیاست‌های بازار کار و سرمایه‌گذاری، در چنین شرایطی اولویت اول به شمار می‌رود. حساب جاری کشورهایی که مواجه با تحریم یا جنگ یا هر دو هستند، آسیب‌پذیرترین نقطه اقتصادی این کشورها است. یکی از مهم‌ترین تدابیر در مدیریت حساب جاری، نداشتن نگاه منفی به حوزه واردات و عدم ایجاد ذهنیت‌های افراطی ساخت داخل است. تشدید ممنوعیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های ناکارآمد به دلیل ایجاد کمبود منابع برای بنگاه‌های فعال، رکود تولید و صادرات را به همراه می‌آورد و بر وخامت شرایط حساب جاری می‌افزاید. در این زمینه توجه به راهکارهایی مانند واردات بیشتر برای صادرات بیشتر (سیاست فرآوری وارداتی با توسعه قراردادهای تجاری دوجانبه) راهگشا خواهد بود.

درس پنجم: سیاست صنعتی دفاعی

سیاست‌های صنعتی دفاعی زمانی موفق هستند که مستقلا به‌عنوان یک مرکز واحد یا یک مجموع شرکت مستقل وارد عمل نشوند و با ایجاد همکاری‌های سازمانی، تقسیم کار ملی در حوزه صنعت ساخت (پایگاه صنعتی) ایجاد کنند. گاری (صنعت‌نظامی) را نباید جلوتر از اسب (صنعت‌ساخت) قرار داد و برای پشتیبانی بخش صنعتی از بخش نظامی لازم است که

توان پایگاه صنعتی موجود به شکل واقعی و دقیق درک شود، الزامات صنعتی (زنجیره‌های تامین و سرمایه‌گذاری‌ها) ورود به یک درگیری طولانی‌مدت تعریف شود و توانایی بازسازی سریع آنچه از دست رفته تمرین شود. در حوزه سیاست صنعتی-دفاعی روس‌ها این اولویت‌ها را مد نظر قرار داده‌اند:

- تسهیل توسعه پایگاه صنعتی و زنجیره تامین که بتواند انعطاف‌پذیر باشد (قابلیت تداوم در یک بازه زمانی بلندمدت بدون اتکاء به زنجیره‌های ارزش جهانی)،
- همکاری نزدیک با صنایع بخش خصوصی و عدم اتکاء به صرف توانمندی‌های حاکمیتی،
- تمرکز سرمایه‌گذاری‌های دفاعی بر نقاط آسیب‌پذیر برای تقویت ستون فقرات نظامی به هنگام محدودیت‌های بودجه‌ای (ارزی) و تقویت مقیاس پایگاه صنعتی برای سایر نیازهای دفاعی،
- ارتقاء توانمندی‌ها برای «کنش‌های خیزش‌کننده» به جای «کنش‌های خنثی‌کننده»،
- آماده‌سازی پایگاه صنعتی باید برای جنگ‌های بلندمدت باشد، گرچه احتمال منازعات کوتاه‌مدت همواره بیشتر است
- آمادگی برای «قحطی گلوله» در یک مقطع زمانی و به حداقل رساندن این زمان؛ چراکه هر چه سطح فناوری پایگاه صنایع نظامی بالاتر می‌رود، قدرت حفظ انعطاف‌پذیری بالا در زنجیره‌های ارزش آنها پایین‌تر می‌آید

وزارت دفاع روسیه همکاری با صنایع خصوصی را طی دوره جنگ افزایش داد و شروع به سرمایه گذاری‌های اساسی در پایگاه صنعتی دفاعی خود کرد تا بتواند طی یک برنامه زمان‌بندی شده قدرت ورود و ماندن در یک جنگ طولانی‌مدت را برای کشور بالا ببرد. بخش متالورژی، ستون فقرات پایگاه دفاعی کشور، برای تولید فولاد و آلیاژهای مورد نیاز شد. نهاده‌های این بخش باعث شده است تا مثلا کارخانه‌هایی مانند «اورالواگون‌زاوود»، بزرگ‌ترین تولیدکننده تانک در جهان، با ۴.۵ میلیون کارگر در سال ۲۰۲۵ به صورت شبانه‌روزی فعالیت کنند. صنعت ماشین‌سازی و الکترونیک، که ماشین‌آلات غیرنظامی مانند توربین‌ها و لوکوموتیو تولید می‌کنند، برای ساخت تجهیزات نظامی، مانند قطعات دقیق موشک‌ها و پهپادها، بازطراحی شده‌اند. برای مثال، کارخانه‌های تولید الکترونیک غیرنظامی به تامین میکروچیپ‌ها و حسگرها برای پهپادهایی مانند «لنست» و «زالاکوب» روی آورده‌اند. صنعت شیمیایی از تولید مواد و پیشرانه‌های جنگی حمایت می‌کند. کارخانه «دزرژینسک‌زاوود» تولید خود را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده و و در سال ۲۰۲۴ تولید انبوه ادوات نظامی را در دستور کار قرار داده است.

یکی از ابزارهای مورد علاقه دولت روسیه برای حمایت از هزینه‌های دفاعی بالا، ارائه وام‌های یارانه‌ای با حمایت دولت به شرکت‌های فعال در بخش‌های استراتژیک برای پیشبرد منویات میدان جنگ است. قوانین جدید که اندکی پس از شروع جنگ اوکراین تصویب شدند، به دولت روسیه این امکان را داد تا وام‌دهی به حوزه صنعت را با نرخ‌های ترجیحی به شکلی هدفمند به سمت شرکت‌های عرصه نظامی هدایت کند. برخی تحلیلگران تخمین زده‌اند که این تلاش به یک موج وام‌گیری شرکتی بیش از ۴۴۶ میلیارد دلاری کمک کرده است. بخش قابل‌توجهی (تقریبا نیمی) از این وام‌ها، طبق این استدلال، کسب‌وکارهای روس را در ۱۵ بخش صنعتی که کالاها و خدمات مختلفی به صنعت دفاعی ارائه می‌دهند، مانند محصولات الکترونیکی و نوری، محصولات شیمیایی، وسایل نقلیه حمل‌ونقل و محصولات فلزی نهایی و همچنین خدمات مهندسی، ساخت‌وساز و فناوری اطلاعات تامین مالی کرده‌اند.

گرچه درگیر کردن صنایع غیرنظامی صنعت ساخت با اولویت صنایع پهپادی، رادیوالکترونیک و میکروالکترونیک در اولویت بوده است، اما سیاست صنعتی روسیه فراتر از بخش نظامی نیز می‌رود و هدف آن کاهش تحریفات اقتصادی ناشی از هزینه‌های سنگین نظامی و تحریم‌ها است. احیای تولید غیرنظامی (مانند خودرو، الکترونیک مصرفی) از طریق مشارکت با کشورهای غیرغربی، گسترش زیرساخت‌ها در شرق دور برای خدمت به بازارهای آسیایی و توسعه قابلیت‌های داخلی در هوش مصنوعی، رباتیک و فناوری فضایی در برنامه دولت فدرال است. مجموع این سیاست‌ها امروز شرکت‌های صنعت ساخت در حوزه دفاعی را بدل به یکی از مهم‌ترین محرک‌های رشد اقتصادی روسیه کرده و مناطقی که سال‌ها درگیر رشد راکد کشاورزی‌محور بوده‌اند (مانند استان کورگان) را وارد رشد پویای صنعت‌محور با نرخ‌های بالا ساخته است. سرمایه‌گذاری‌های بودجه‌ای قابل‌توجه در صنعت ساخت احتمالا در سال‌های آینده ادامه خواهد یافت تا ذخایر جدیدی از تسلیحات و تجهیزات ساخته شود.

درس ششم: در زمان جنگ، تامین مهمتر از تولید است

بخش صنعت ساخت روسیه با محدودیت‌هایی مواجه است. پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، روسیه برنامه جایگزینی واردات را آغاز کرد و کرملین اعلام کرد که قصد دارد قطعات غربی مورد استفاده در ساخت سیستم‌های تسلیحاتی روسیه را تا سال ۲۰۲۰ با گزینه‌های داخلی جایگزین کند. با وجود هزینه حدود ۲۵ میلیارد دلار برای اجرای این سیاست از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، دولت همچنان نتوانست به اهداف خود دست یابد و در نهایت مهلت را تا سال ۲۰۲۵ تمدید کرد. بنابراین، در حالی که بودجه برنامه‌ریزی‌شده برای تولید و توسعه فناوری نظامی برای سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۷ افزایش قابل‌توجهی نسبت به مقادیر اولیه اختصاص‌یافته به این تلاش نشان می‌دهد، تلاش‌های جاری بعید است برای دستیابی روسیه به خودکفایی کامل کافی باشد. بخش صنعتی-نظامی روسیه در سه سال گذشته به شدت به زنجیره تامین محموله‌های الکترونیکی و سایر کالاهای دو منظوره از چین وابسته شده است. پکن به سه روش به مسکو کمک کرده است تا از کنترل‌های صادراتی فرار کند:

- صادرات محصولات تولید شده در چین از چین،
- صادرات محصولات تولیدی شده در غرب از چین،
- صادرات محصولات تولید شده در چین توسط غربی‌ها از چین.

در مورد اول، در سال ۲۰۲۳ حدود ۵۰ درصد از کل واردات فناوری‌های حیاتی روسیه (واقع در فهرست «سی.اچ.پی.ال» یا «فهرست اولویت بالای مشترک وزارت صنعت و امنیت آمریکا») را اقلام تولیدشده توسط شرکت‌های چینی در چین تشکیل می‌داد. در مورد دوم، با سازوکارهای «تخلیه و بارگیری مجدد» و نقل و انتقال از یک وسیله حمل به وسیله دیگر در میانه مسیر (ترانشیپمنت)، کالاهای تولیدشده توسط غرب که ابتدا به چین فروخته شده‌اند در اختیار روسیه قرار می‌گیرد که این دسته نیز حدود ۱۸ درصد از واردات «سی.اچ.پی.ال» روسیه را در سال ۲۰۲۳ تشکیل می‌داده است. در مورد سوم، ارسال اقلام تولیدشده توسط شرکت‌های غربی در کارخانه‌های چینی به روسیه نیز حدود ۱۶ درصد از واردات «سی.اچ.پی.ال» را در سال ۲۰۲۳ تشکیل می‌داده است (۱۶ درصد باقی‌مانده از واردات فناوری‌های حیاتی فهرست سی.اچ.پی.ال از طریق دیگری تامین شده است).

جمع‌بندی

در حال حاضر، اقتصاد روسیه به رشد خود ادامه می‌دهد، درآمدهای صادراتی قوی باقی مانده‌اند و تورم گرچه افزایش قابل توجه‌ای پیدا کرده اما همچنان تحت کنترل قرار داشته است. پایبندی روسیه به شیوه‌های اقتصادی متعارف بازارمحور در دو دهه پیش از جنگ اوکراین، اقتصاد روسیه را، حداقل از نظر مالی، در موقعیتی قرار داده که بتواند فشارهای کنونی را تحمل کند. با این حال، اقتصاد روسیه به شدت در معرض گلوگاه‌های پر دست‌اندازی در بخش‌های کلیدی است و با محدودیت‌هایی مواجه است. از جمله آن‌ها کمبود نیروی کار، بهره‌وری راکد، تورم پایدار و نرخ رشد آهسته‌تر که این محدودیت‌ها ممکن است بسته به رژیم تحریم‌های غربی تشدید شوند یا تخفیف یابند.

بالا بردن وزن سیاست‌های صنعتی-دفاعی در اسناد سیاست صنعتی، تقویت بازار اقلام عمده سبد صادرات غیر نفتی به ویژه از طریق ورود به موافقت‌نامه دوجانبه و چندجانبه تجارت آزاد و ترجیحی، انتخاب بازه معقول و ممکن از سیاست‌های ریاضتی در زمینه اعتباردهی برای جلوگیری از فشار مداوم به نرخ ارز و پوشش هدفمند نقاط آسیب‌پذیر تامین مالی در طرف عرضه با سیاست‌های جبرانی، تقویت مشارکت زنان در بازار و سیاست‌های دستمزدی به‌منظور جلوگیری از کمبود نیروی کار غیرماهر و ارتقاء سطح تقاضا به نفع تولیدات صنعتی داخلی و نهایتا تدبیر سیاست‌های تامین‌محور اقلام ضروری بخش صنعت با ایجاد سازوکارهای پایش ذخیره‌سازی و توزیع در اقلام راهبردی و متنوع‌سازی مبادی و شرکت‌های واردکننده در این حوزه‌ها، نسخه‌هایی است که می‌توان مبتنی بر تجربه موفق روسیه در مدیریت تحریم و جنگ برای اقتصاد ایران تجویز کرد.

منبع

- صمدیان، فرزانه (۱۴۰۳)، "نگاهی به قوانین بودجه سنواتی"، مرکز پژوهش‌های اتاق تهران
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۴)، "چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در زمستان ۱۴۰۳"، دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۴)، "چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۴۰۳"، دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار
- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۴)، «بررسی سیاست‌های اقتصادی روسیه در شرایط جنگ و تحریم»، امین مالکی، پژوهشکده توسعه بازرگانی، در دست انتشار

- Interfax (2025), "Unemployment In The Russian Federation In February Remained At The Level Reached In January Of 2.4%", April 2, 2025
- Kantchev, Georgi And Lingling Wei, (۲۰۲۴) "China Studies How Russia Skirts Sanctions"
- Luzin,Pavel (2025) "Russia's Year of Truth: The Runaway Military Budget", CEPA, 2025/01/22
- RBC (2023), "The Ministry of Finance has clarified budget expenditures on the economy and defense in 2024", RBC, December 30, 2023
- RBC (2023), "The Ministry Of Finance Has Clarified Budget Expenditures On The Economy And Defense In 2024", December 30, 2023
- Reuters (2025), "Average Rouble Price Of Russia's Oil Drops 24% Below Budget Target In March", 2025/03/19
- Rosstat (2025), March 26, 2025
- Snegovaya, Maria (2025), "The Russian Wartime Economy; From Sugar High to Hangover", CSIS
- State Duma of the Russian Federation (2022), The Draft Federal Budget For 2023-2025
- State Duma of the Russian Federation (2023), "Federal budget 2024-2026: main figures", November 17, 2023
- TASS (2022), " Federal Budget Expenditures on Defense In 2023 Will Amount To 4,981 billion Rubles", September 22, 2022
- The Moscow Times (2025), "Russian Ruble Surges, Becoming World's Best-Performing Currency,", 2025/04/16
- Trading Economics (2025) "RUBUSD Russian Ruble US Dollar,"
- Vedomosti (2022), "National Defense Spending Will Rise By A Third This Year", September 23, 2022

پانویس

- Blunting = کنش‌های خنثی‌کننده
- CHPL = فهرست اقلام با اولویت بالای مشترک وزارت صنعت و امنیت آمریکا
- Shell famine = قحطی گلوله
- Surging = کنش‌های خیزش‌کننده